

راز کرونای ایرانی

محمد زمانی آثاری

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	: زینالی آقاری، محمد، ۱۳۸۹
عنوان و نام پدیدآور	: راز کرونای ایرانی / محمد زینالی آقاری
مشخصات نشر	: دشتستان: هامون نو، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۸ ص.
شابک	: 978-622-649037-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: کروناویروس‌ها -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Coronaviruses -- Iran -- Social aspects
رده بندی کنگره	: QR ۳۹۹
رده بندی دیویی	: ۵۷۹/۲۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۲۸۶۰۰۷



راز کرونای ایرانی

نوشته: محمد زینالی اناری

طراح جلد: پیمان قدرتی

ریخ چاپ: ۱۳۹۹ - اول

سما: ۲۰۰ نسخه

انتشارات هامون نو

قیمت جلد نرم: ۲۵ هزار تومان

قیمت جلد سخت: ۳۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۹۰-۳۷-۵

پخش: تهران، خیابان انقلاب، روه روی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فریاد، طبقه ۲

واحد ۵۰۷ تلفن ۶۶۴۶۹۴۸۰ - مرکز پخش اندیشه احسان - andishehehsan.com

نشانی ناشر: استان بوشهر، شهرستان دشتستان، شهر برازجان، پست کاروانسرای مشیرالملک،

شماره ۱۷ - کدپستی ۷۵۶۱۷۳۵۱۶۵ تلفن ۰۹۳۳۵۷۵۱۷۱۷ - انتشارات هامون نو

www.hamooniran.ir



فهرست

مقدمه ۹

حادثه خبر نمی کند ۹

۱- سفر پیدایش ۱۷

۳- ربا و تفاوت ۱۷

۲۲- نیرو از رو ۲۲

۲۸- انگاره های ک ۲۸

۲- در سرزمین ناگهانها ۳۵

۳۵- تفکر ناگهانی ۳۵

۴۰- امر ناگهانی و امر بحرانی ۴۰

۴۶- شکاف تجربی دانش ۴۶

چرخش پاتولوژیک فرهنگ ۴۶

۳- پدیدارشناسی کرونا ۵۵

۵۵- ارتجاع وضع طبیعی ۵۵

۵۸- مناسک قدیم و مناسک جدید ۵۸

۶۳- ایمازهای شرارت ۶۳

۶۶- شرّ سفید ۶۶

۴- آشنازدایی از تفکر ۷۱

بهداشت به مثابه‌ی موضوع تفکر ۷۱

بهداشت به مثابه‌ی امر اجتماعی ۷۹

۵- کرونا و آیندی ما ۹۱

آیا کرونا ما را نجات خواهد داد؟ ۹۱

کرونا، دشمن سرمایه‌داری شهری ۹۹

کرونا و دگرگونی نهادی ۱۰۳

کرونا و عاملیت ۱۰۶

۶- نتیجه گیری ۱۱۳

کرونا: یادمان بماند ۱۱۳

مقدمه

حادثه بر روی کند

خبر خیلی ساده و متفقه است: «پیدایش یک بیماری مسری در چین! کر را شبیه آملو آنزا اما شیوعش بیشتر است! یک بیمارستان در طی ده روز به روز ساخته شد! همه اش تقصیر کشور سوسیالیست است که اسباب را مخفی کرده است! همه اش تقصیر کشور سرمایه دار است که با برنامه ریزی دقیق روی ژن ایرانی می خواست ما را سرنگین کند! هواپیماها نباید می رفتند! همان اول باید قم قرنطینه می شد! آمارها درست نیستند! آمارها درست بودند و ...».

اخبار بحران هم مانند اخبار عادی شروع می شود، همه ی خبرها شبیه به هم اند، با یک تیتیر شروع می شوند، اما هر یک سرنوشتی متفاوت پیدا می کند. یک خبر اصلاً شنیده نمی شود، خبر دیگری مدت ها روی صفحه ها و زیرنویس

های تلویزیونی می‌ماند و پیوسته نو به نو و تکرار می‌شود. آماری فقط یک بار پخش می‌شود، اما آماری دیگر هر روز تکرار و بر آن افزوده می‌شود. کرونا هم از این خبرها بود که مدام تکرار شد و بعد از یک ماه، که فکر می‌کردیم ما هم مانند چین در طول چند هفته بر بیماری فائق بیاییم، به دوماه و سه ماه و افسانه‌ی پایان ناپذیری کرونا تا زمان کشف واکسن انجامید.

اما اخبار کرونا خیلی پیشتر و وقتی درباره‌ی آن فیلم ساخته می‌شد منتشر شده بود. ژول ورن، بیش از صد سال پیش در داستان‌های خود به سفرهای اسرارآمیز آدمی به مرکز زمین و کربلای ماه پرداخت؛ امروز سفر به درون زمین غیر ممکن می‌نماید، اما سفر به ماه ضرورت گرفته است. پس ممکن است ما بگوئیم وقتی گوشه انصاری به ماه رفت، این خبر تازگی نداشته و خبرش را به صورت تخیلی قبلاً شنیده بودیم. اما سفر به مرکز زمین هنوز غیر ممکن است و به احتمال زیاد غیرممکن هم بماند. کار ژول ورن، نه صرفاً خیال پردازی، که ایجاد ارتباط با ممکنات عالم بود. کار موریس مترلینگ، عجیب‌تر است که در بحبوحه‌ی زمان که که رمان‌های عاشقانه و روانکاوی نوشته می‌شد، به ترس‌ن داستان‌هایی درباره‌ی مورچه‌ها و زنبورها می‌پردازد. همین ژانر را فیلم‌های سینمایی هم با مطالعه‌ی کتاب‌های علمی و

خیال‌پرور این چینی و پرداختن به مسائل و مشکلات معاصر و بیماری‌هایی که در دنیا پر اهمیت بوده‌اند، انجام داده‌اند.

یکی از بحران‌ها و فاجعه‌های بشر، در همین صد سال اخیر، اپیدمی‌ها بوده‌اند که موضوع فکر و تخیل هنرمندان و نویسندگان شده است. فیلمسازان خردمندی به این مسائل پرداخته و جهان را از بیم حمله‌ی فضایی‌ها، مورچگه‌ها، بیورها، حتی اپیدمی‌های بزرگ جهانی هشدار داده‌اند. ممکن است بگویم فیلم دیدن ما کمی رنجیده شود و بگوید که فیلم‌های داستان‌های عشق و عاشقی و صحنه‌های اکشن و تخیلی، اما فیلم‌های این چینی که می‌توان آن‌ها را فیلم‌های آخرالزمانی سید، به جای آن که بشیر باشند، نذیراند و به جای صحنه‌های بویایی و عشق‌ورزی‌های شبانه و سفرهای اسرارآمیز، از هر لحظه زندگی انسان و پایان جهانی که در تفکر انسان تکامل یافته است، آگاه کرده‌اند. این فیلم‌ها در آستانه‌ی پیدایش کرونا در ایران، به گونه‌ای که نشان از اندیشیده بودن بحران در گذشته داشته باشند، به این صورت تعبیر شدند که این اتفاق از پیش برنامه‌ریزی شده بوده و همه چیز بر اساس یک سری پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های ساختگی اتفاق افتاده است. سریال سیمپسون‌ها از گنجهی پنهان توهم پردازان درآمده و

طراحی ناسیونالیسم آمریکایی که در فیلم ساخته شده، به عنوان یکی از نقشه‌های امپریالیسم برای آینده گواهی بر صدق توطئه‌های پیشینی به میان بحث آمد. اگر چنین سخنانی را خردمندان و پژوهشگران نمی‌پذیرفتند، حتی افراد ساده هم نمی‌پذیرفتند، اما به هر حال به مدت زمانی کوتاه هم که شده، به همراه سایر تحلیل‌های بی‌سر و ته، ذهن‌ها را آشفته کرده و شبکه‌ها را به جای تحلیل‌های خردمندانه بر می‌گذاشت. حال با اشاره‌ای که به این مسئله شد، سوالی که به نظر می‌رسد این است: چرا در بخش‌هایی از جهان فکر و فکر هنرمندان و روشنفکران علمی ساختن چنین فیلم‌هایی است، اما در بخش‌هایی چون سرزمین ما، هنوز درگیری ما این است که این هنرپیشه‌ها باید سیاسی باشند یا نه؟!

هر فعلیت و عاملیت اثر را دقیقاً در چنین شرایطی نشان می‌دهد. اگر فکر ما به بیماری‌های واگیردار که در سالهای اخیر هم کم‌خودنمایی نکردند، متمرکز می‌شود، به موقع،

۱ به نظر می‌رسد در طی تحولات پنجاه سال اخیر ملایک سادگی در ایران تغییر پیدا کرده باشد. سادگی در پنجاه سال گذشته، به معنای بی‌وادی، شهرت‌طلبی بود، اما امروز سادگی می‌تواند همراه با داشتن مدرک تحصیلی دیپلم و مدرک و مدرک می‌تواند با تجربه‌ی شهری باشد. به همین دلیل، ممکن بود پنجاه سال پیش با گشتن در خیابان‌های جوکی‌های هند بسیاری از مردم به حقه‌های تصویری و آئین‌های سراقی‌ای که در نشریات زرد سخن از آن‌ها به میان می‌آید، به دید یک حقیقت ممکن می‌نگریست، اما امروز حداقل به دنبال بررسی صحت و سقم موضوع می‌گردند. امروز دیگر نوع تفکر، مبتنی بر تفکر تجربی است و خبرهای بی‌سر و ته را چندان اهمیت نمی‌دهد. با این حال، همین وضع و حال ما هم یک سری مشکلات فکری و فرهنگی دارد که در طی صفحات باقی مانده بیشتر به آن می‌پردازیم.

حتی به هنگام شنیدن خبر مربوط به پیدایش آنفلوآنزاهای کشنده و یا اتفاقی که هنگام افشا شدن کرونا در چین افتاد، دست به کار می‌شدیم و اقداماتی انجام می‌دادیم. اما این عمل در واقع اتفاق نیفتاد و ما با یک نوع رویکرد پسینی و حتی پساپسینی به این اتفاق پرداختیم. در واقع کل جهان به صورت انفعالی با این ماجرا درگیر شد، اما ما حتی در زمان انفعال هم در حال چرتکه انداختن بودیم، وقتی این بیماری در چین در حال کشتن بود، خبری از اجتماعی شدن سناریوهای بحران نبود، بلکه برعکس، همان طور که در مورد استعاره‌ی کرونا خواهیم دید، ما کرونا را کرونا نمی‌دانستیم، بلکه به قول بشارت، بیماری را مال همسایه می‌دانستیم و به احتمال زیاد، احساس روئین‌تنی به ما دست می‌داد.

در سال‌های گذشته یک دوره درس جامعه‌شناسی بلایا به من پیشنهاد شد و من شروع کردم به خواندن کتاب‌های مختلف و به خاطر چهار جلسه از یک درس اجتماعی حدود بیست کتاب را در طی دو ماه دوره کرده و بخشی را دوبار و برخی را در حد مروری کلی خواندم، اما پس از این که چهار جلسه را تدریس کردم و آن ترم را با دانشجویان گذراندیم، سالی بر این ماجرا گذشت و به خاطر تغییر مدیران آموزشی دانشکده، دیگر جایی در تدریس آن مباحث نداشتم